

عوامل مرتبط با احساس امنیت با تأکید بر احساس نابرابری

سعید گودرزی¹، نورالدین الهدادی²

تاریخ دریافت: 98/10/18

تاریخ پذیرش: 99/01/20

از صفحه 1 تا 24

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم،
شماره دوم (پیاپی پنجاهم)، تابستان 1399

چکیده

مقدمه: احساس امنیت، پدیده‌ای چند بعدی است که در صورت نبود آن در میان افراد یک جامعه، توسعه جامعه امری غیرممکن خواهد بود. یکی از پیش شرط‌های به‌وجود آمدن احساس امنیت، وجود احساس برابری در میان افراد جامعه است. در این تحقیق به بررسی عوامل مرتبط با احساس امنیت با تأکید بر احساس نابرابری پرداخته شده است.

روش: پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش، پیمایش مقطعی است. جامعه آماری تحقیق، افراد 18 سال به بالای استان لرستان هستند که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای، تعداد 384 نفر از آنها انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسشنامه بوده است.

یافته‌ها: میانگین احساس نابرابری پاسخگویان $2/80$ و میانگین احساس امنیت آنها $2/93$ (از دامنه 1 تا 5) بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که متغیرهای سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، نوع نگرش به عملکرد پلیس، سرمایه اجتماعی، میزان دینداری، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، احساس نابرابری و ابعاد آن با احساس امنیت ارتباط داشته‌اند. نتایج تحلیل چند متغیری نیز نشان می‌دهند که به جز شش متغیر مستقل وضعیت تأهل، تحصیلات، نوع نگرش به عملکرد پلیس، سرمایه اجتماعی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و احساس نابرابری، سایر متغیرها به دلیل داشتن واریانس مشترک از معادله رگرسیون خارج شده‌اند. این متغیرها $0/544$ از واریانس احساس امنیت را تبیین کرده‌اند.

نتیجه‌گیری: این پژوهش نشان داد میزان احساس نابرابری و احساس امنیت در استان لرستان در حد متوسطی بوده است. همچنین مهم‌ترین متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته، احساس نابرابری بوده است. از این رو می‌توان گفت، افزایش احساس برابری افراد جامعه می‌تواند نقش مؤثری بر افزایش احساس امنیت آنها داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت، احساس نابرابری، سرمایه اجتماعی، دینداری.

1- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول): sgoodarzi1355@yahoo.com

2- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.



مقدمه

پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم، شماره دوم (پیاپی پنجاهم)، تابستان 1399

دو مفهوم کلیدی در علوم اجتماعی، مفاهیم «نابرابری» و «امنیت»¹ هستند. جامعه‌شناسان، سال‌ها مفهوم امنیت شهروندان را در رابطه با مسئله نظم تحلیل کرده‌اند، اما از دهه 1960، به خاطر تغییرهای اساسی که در شرایط اجتماعی زندگی بشر رخ داده است، اندیشمندان اصطلاح‌های متنوعی را برای توصیف این تغییرات به کار برده‌اند، از جمله عصر اضطراب (باومن)، جامعه مخاطره‌آمیز (بک، 1998)، وضعیت پست مدرن (لیوتار، 1384) و مخاطره‌های فرهنگ (گیدنز و پیرسون). این اصطلاح‌های متفاوت، همگی به شرایط عدم اطمینان دوران اخیر زندگی انسان اشاره دارند که یکی از مهم‌ترین پیامدهای این شرایط، بی‌اطمینانی، ناامنی و احساس ناامنی است (ورنانن² و دیگران، 2009). امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی (احساس امنیت) است. امنیت، اطمینان‌خاطری است که بر اساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند (بوزان، 1378: 52). احساس امنیت نیز به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود. در واقع، زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعامل‌های اجتماعی، جان، مال یا سلامتی وی را خطری مورد تهدید و تعرض قرار نمی‌دهد، می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت است (صدیق سروستانی و نیمروزی، 1389: 196).

یکی از عوامل ایجاد احساس ناامنی، احساس نابرابری افراد در جامعه است. در ایران تحقیق‌های انجام گرفته نشان از وجود نابرابری در بعد عینی و ذهنی (احساس نابرابری) در کشور دارند (شیخ‌بیگلو و دیگران، 1391؛ مهرگان و گرشاسبی‌فخر، 1390؛ توکلی و دیگران، 1390؛ راغفر، 1390). در بعد عینی، تحقیقات درباره فقر (بعد عینی) نشان می‌دهد که از سال 1384 هر سه شاخص فقر، یعنی تعداد فقرا، شدت فقر و نابرابری بین آن‌ها، در مناطق شهری و روستایی روند صعودی داشته‌اند (راغفر، 1390: 391). نگاهی به اعداد مربوط به ضریب جینی³ درآمدی (به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی سنجش نابرابری) نشان می‌دهد که در سال‌های 1363 تا 1388، ایران در گروه

1- Inequality & Security

2- Vornanen

3- Gini Coefficient

کشورهای با نابرابری بالا قرار داشته است (همان: 388). در بعد ذهنی نیز با استناد به نظرسنجی‌های صورت گرفته در بررسی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» موج اول و نظرسنجی «طرح آمارگیری جامع فرهنگی کشور» می‌توان بیان کرد که افراد جامعه از احساس بی‌عدالتی (احساس نابرابری) بالا رنج می‌برند (تولایی و فلاح‌پیشه، 1390: 35-34). نتایج تحقیق‌های انجام شده در استان لرستان (میر و همکاران، 1394؛ گودرزی و همکاران، 1394) نیز حاکی از پایین بودن احساس امنیت در این استان دارد. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان نتیجه گرفت احساس امنیت پایین، در حال حاضر، از مسایل مهم استان لرستان محسوب می‌شود و آسیب‌های ناشی از آن در حال افزایش است. با توجه به توضیحات بالا، مقاله حاضر به دنبال بررسی عوامل مرتبط با احساس امنیت با تأکید بر احساس نابرابری است.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

در تحقیق هاشمیان‌فر و کشاورز (1391)، سن، جنس و تحصیلات با احساس امنیت اجتماعی دارای رابطه معناداری بوده است. در تحقیق ضرابی و دیگران (1391)، 59 درصد پاسخگویان دارای احساس امنیت کم، 24 درصد دارای احساس امنیت متوسط و 17 درصد دارای احساس امنیت بالا بوده‌اند. یافته‌ها همچنین نشان داده بین جنس، وضعیت تأهل و تحصیلات با احساس امنیت رابطه معنادار وجود داشته است. یافته‌های تحقیق مختاری و دیگران (1391) نیز نشان داده بین جنس، قومیت و احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود داشته است. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن است که احساس امنیت اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد؛ زیرا بیش از نیمی از پاسخگویان دارای احساس امنیت متوسط رو به پایین و پایین بوده‌اند.

تحقیق طاهری و ربانی (1391)، نشان داده احساس امنیت با متغیرهای جنس، سن، وضعیت تأهل و تحصیلات ارتباط داشته است. در تحقیق دیگری که توسط حقیقتیان و دیگران (1391) انجام گرفته است، یافته‌ها بیانگر ارتباط متغیرهای محل سکونت، وضعیت تأهل و سن با احساس امنیت بوده است. یافته‌های تحقیق عنایت و دیگران (1391)، نشان داده احساس امنیت اجتماعی و اقتصادی بر حسب جنس



پاسخگویان تفاوت دارد. یافته‌های تحقیق ذاکری همامانه و دیگران (1391)، حکایت از رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن با احساس امنیت اجتماعی دارد. یافته‌های تحقیق پیلتن و برومند (1393) نشان داده بین تحصیلات با امنیت اجتماعی رابطه وجود داشته است.

نتایج تحقیق انتظاری و دیگران (1394)، بیانگر آن است که میانگین احساس امنیت اجتماعی در حد متوسط (2/92) بوده و متغیرهای مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نگرش به عملکرد نیروی پلیس و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با متغیر احساس امنیت اجتماعی رابطه داشته‌اند. نتایج تحقیق افشانی و دیگران (1394)، بیانگر آن است که دینداری و ابعاد آن با احساس امنیت اجتماعی رابطه داشته‌اند. نتایج تحقیق میر و دیگران (1394)، نشان داد میزان همبستگی بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت 0/63 است و میزان احساس امنیت پاسخگویان (3/01) در حد متوسطی قرار دارد.

در تحقیق جهانبخش گنجه و دیگران (1395)، میزان احساس امنیت در حد متوسطی بوده است و بین وضعیت تأهل، قومیت، اعتماد و دینداری با احساس امنیت رابطه معنادار وجود داشته است. در تحقیق حسینی اخگر و دیگران (1395)، نتایج بیانگر آن است که بین متغیرهای جنس، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نگرش به عملکرد پلیس، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، اعتماد اجتماعی و میزان دینداری با احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود داشته است. نتایج تحقیق قاسمی و دیگران (1395)، نشان داد بین سن، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، مقطع تحصیلی و سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی رابطه وجود دارد. در تحقیق اسدزاده و دیگران (1395)، نتایج نشان داده که بین عملکرد پلیس و میزان احساس امنیت عمومی از دیدگاه شهروندان زن و مرد تفاوت وجود داشته است.

نتایج تحقیق متآنی و دیگران (1396)، نشان داد که بین میزان استفاده از تلویزیون و احساس امنیت اجتماعی همبستگی مثبت و بین رسانه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی مجازی با احساس امنیت اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد. یافته‌های تحقیق سهرابزاده و دیگران (1396)، نشان داد بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه وجود داشته است. نتایج تحقیق

حیدرنژاد و دیگران (1396)، نشان داد که بین جنس و عملکرد پلیس با احساس امنیت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

ویل و مک گراد¹ (1995)، در مقاله خود با عنوان «جرم، طرز تلقی از محل زندگی و طبقه پایین و ارتباط بین احساس ناامنی و موقعیت طبقه» گفته‌اند که زنان نسبت به مردان و افراد مسن نسبت به افراد جوان، میزان بیشتری از جرم را ابراز داشته‌اند. همچنین افراد طبقه پایین، اقلیت‌ها و بیکاران، احساس ناامنی بیشتری داشته‌اند و این احساس ناامنی بیشتر به خاطر نگرانی آن‌ها بخاطر کافی نبودن اقدام‌های انجام گرفته برای حمایت و محافظت از آن‌ها بوده است. یافته‌های کیلیاس و کلسی² (2000)، نشان داده احساس ناامنی با آسیب‌پذیری فیزیکی، جنسیت، سن، ویژگی‌های محل زندگی (افراد غریبه و لگرد در محل)، افزایش می‌یابد. یافته‌های تحقیق ساترفیلد³ و دیگران (2004)، با عنوان «تبعیض، آسیب‌پذیری و عدالت در مواجهه با خطر» بیانگر آن است که تصور آسیب‌پذیری بیشتر و بی‌عدالتی‌های محیطی، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای برآورد احساس ناامنی بیشتر زنان نسبت به مردان است. مطالعه پانزانیس⁴ (2009)، نشان داده که افراد فقیر بیشتر نگران قربانی شدن در برابر انواع جرم‌ها هستند. این امر نه‌تنها در مورد ناامنی‌های ناشی از جرم‌های مختلف، بلکه در مورد ناامنی‌های غیرجرائمی مثل بیماری، ورشکستگی، تصادف‌های جاده‌ای و از دست دادن شغل نیز صادق است. در مجموع، 34 درصد از افراد نمونه در هنگام قدم زدن احساس ناامنی می‌کرده‌اند و این رقم در زنان نسبت به مردان بالاتر بوده است. همچنین مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر احساس امنیت زنان، سن بوده و زنان در سنین بالاتر احساس ناامنی بیشتری داشته‌اند. نتایج تحقیق کاراکاس⁵ و دیگران (2010)، نشان داده بین احساس امنیت دو جنس، تفاوت وجود داشته است. همچنین احساس امنیت با متغیرهای سن، تحصیلات، رضایت از همسایه‌ها و اجرای قانون، رابطه مثبت و با متغیرهای درآمد، قربانی جرم بودن و سکونت در شهر ارتباط منفی داشته است.

1- Will & McGrath
2- Killias & Clerici
3- Satterfield
4- Panzanis
5- Karakus



موضوع احساس نابرابری و ارتباط آن با احساس امنیت برای اولین بار در منطقه مورد مطالعه، انجام شده است. احساس نابرابری، بویژه در استان‌هایی که از لحاظ توسعه، در وضعیت مناسبی قرار ندارند، از متغیرهای بسیار مهم تأثیرگذار در احساس امنیت است که مورد غفلت تحقیقات انجام گرفته در مورد احساس امنیت بوده است. در جمع‌بندی از مرور تحقیقات قبلی نیز باید گفت در همه این تحقیقات احساس امنیت مورد توجه قرار گرفته است، اما در هر یک از این تحقیقات فقط یک بعد احساس امنیت و بیشتر بعد اجتماعی آن مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین ابعاد فرهنگی و اقتصادی احساس امنیت خیلی کم مورد توجه قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

بر اساس نظریه نیازهای انسانی، احساس امنیت زمانی حاصل می‌شود که نیازهای اساسی انسان برآورده شود، در غیر این صورت، انسان با ناامنی روبرو می‌شود (چسمن و کتل،¹ 1990: 160-175). نظریه نیازهای انسانی به اهمیت دو متغیر سن و جنس تأکید دارد.

بر اساس نظریه آسیب‌پذیری،² افرادی که خود را نسبت به دیگران آسیب‌پذیرتر تصور می‌کنند، احساس ناامنی بیشتری دارند (فرگوسون و میندل،³ 2007). اسکوگن و مکسفیلد دو مؤلفه برای آسیب‌پذیری شخصی از جرم ارایه می‌کنند:

الف) آسیب‌پذیری فیزیکی: به معنای ناتوانی یا بی‌دفاع بودن در مقابل خطرها و روبرو شدن با پیامدهای دهشتناک فیزیکی (و احتمالاً عاطفی) ناشی از خطرها است. زن‌ها و افراد مسن از لحاظ فیزیکی آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به بقیه افراد دارند (کیلیاس و کلرسی، 2000). استانکو⁴ نیز معتقد است احساس ناامنی در زنان سه برابر مردان است (استانکو، 1993: 127).

ب) آسیب‌پذیری اجتماعی: به این معنی که افراد به دلیل آن‌چه که هستند، بیشتر در معرض تهدید قربانی‌شدن هستند (مک کری⁵ و دیگران، 2005)؛ مثلاً وضعیت تأهل،

1- Cheeseman & Kattle
 2- Vulnerability
 3- Ferguson & Mindelm
 4- Stanko
 5- McCrea

نژاد، تحصیلات، وابستگی‌های مذهبی، میزان دسترسی به منابع مادی و اقتصادی و فقر، میزان آسیب‌پذیری افراد را متفاوت می‌کند. برای مثال، در زنان، سالخوردگان، افرادی که وضعیت سلامت بدی دارند (عامل فیزیکی)، افراد بدون شبکه‌های حمایت اجتماعی (عامل اجتماعی) و افراد ساکن در مناطقی که کسی برای کمک کردن نیست (عامل نهادی)، میزان احساس امنیت متفاوتی دارند (فارال¹ و دیگران، 2007: 5). این محققان در مطالعه‌های خود بر عواملی همچون جنسیت، سن و موقعیت اجتماعی و اقتصادی تأکید کرده‌اند.

بر اساس نظریه تجربه قربانی شدن،² احساس ناامنی به این امر بستگی دارد که ما تجربه مستقیم و یا غیرمستقیمی (از طریق شنیده‌ها، تماس با دیگران یا رسانه‌های جمعی) از جرم (هرگونه انحراف دیگر) داشته باشیم (اسکوگن و مکسفیلد، 1980). تحلیل‌گران این نظریه معتقدند هرچه تجربه قربانی شدن یا احتمال قربانی شدن بیشتر باشد، احساس ناامنی بیشتر است. این متفکران سطح احساس ناامنی در جامعه را معلول سطح فعالیت مجرمانه در جامعه می‌دانند (بوئر،³ 2003). همچنین نتایج تحقیق کین نشان می‌دهد که تجربه برخی جرایم باعث ترس افراد از سایر جرایم می‌شود (اسکات،⁴ 2003: 204).

در دیدگاه برساخت‌گرایی، فقط واقعیت عینی و بیرونی نیست که شناخت ما را می‌سازد، بلکه ذهن ما نیز در ساختن جهان خارج نقش سازندهای دارد. به نظر آن‌ها، آنچه حقیقت نامیده می‌شود، حاصل مشاهده عینی جهان نیست، بلکه زاینده فراگردهای اجتماعی مستمر بین افراد است. آن‌ها برساخت و پرداخت اجتماعی آگاهی و شناخت را مورد توجه قرار می‌دهند. واقعیت از نظر این رویکرد، شناخت و آگاهی ساخته و پرداخته شده در اجتماع است. امنیت به مثابه گفتمانی است که در آن، وضعیت ناامنی، ساخته و پرداخته شده است (غفاری، 1390: 130-129).

اندیشمندان مکتب کپنهاگ، برای امنیت دو بعد عینی و ذهنی قایل هستند. بوزان و ویور از صاحب‌نظران این مکتب، معتقدند که امنیت برساخته تصور آدمیانی است که در

1- Farrall
2- Victimization
3- Boers
4-Scott



اجتماع زندگی می‌کنند. آن‌ها همچنین عنصر هویت را وارد مطالعه خود می‌کنند و قائل به توزیع مادی قدرت نیستند و به مؤلفه‌های فرامادی هم می‌اندیشند (احمدی‌مقدم، 1389: 137-138). بر اساس نظر بوزان و ویور، قرار گرفتن افراد در معرض منافع برابر، عدالت اجتماعی و... عاملی برای برقراری نظم و امنیت به‌شمار می‌رود و وجود نابرابری، عاملی در کاهش امنیت در جامعه محسوب می‌شود.

فمینیست‌ها به زنان به عنوان قربانی مردان توجه می‌کنند. با وجود تفاوت میان نظریه‌های فمینیستی، اما همه آن‌ها بر این نکته تأکید دارند که ادبیات امنیت، از منظر مردانگی نوشته شده است و با وجود اینکه زنان قربانی اصلی خشونت و ناامنی هستند، به‌ندرت جایگاهی در مباحث امنیتی دارند. از نظر فمینیست‌ها، ساختار جنسیتی ایجاد شده توسط جامعه که ساختارهای قدرت و سلطه است، از یک طرف، ابزار توجیه خشونت علیه زنان و از طرفی دیگر، موجب ناامنی آن‌ها است (غفاری، 1390: 117).

بر اساس نظریه تد رابرت گر¹، انسان‌ها به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زنند و دوست دارد که شرایط مشابه با آنها را داشته باشد. اگر در نتیجه مقایسه، برای فرد چنین پنداشتی بروز دهد که بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی شده و این امر باعث بروز نارضایتی در دو سطح فردی و اجتماعی می‌شود (گر، 1388).

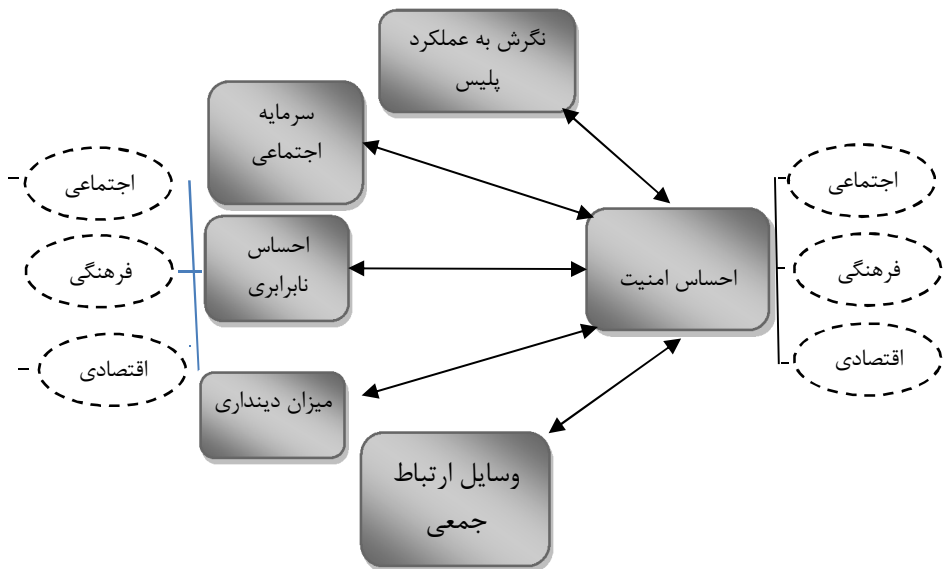
آنتونی گیدنز، مصونیت یا به حداقل رساندن خطر را امنیت می‌داند. تجربه امنیت به تعادل، اعتماد و مخاطره بستگی دارد (گیدنز، 1377: 44). از دید گیدنز، در شرایط مدرنیته، بیشترین تعامل‌های ما با افراد غریبه و افرادی است که فعالیت‌هایشان در معرض دید ما قرار ندارند؛ نهادهای سنتی فراهم کننده اعتماد و امنیت مانند خویشاوندی، محله و دین تضعیف شده و اضطراب و ناامنی افزایش می‌یابد. گیدنز احساس ناامنی زنان را به دوران جدید بسط مدرنیته و پیامدهای آن نسبت می‌دهد. از نظر شناختی، ظهور مدرنیته و به‌ویژه تشدید فرایندهای جهانی‌سازی موجب تضعیف تفاوت‌های جنسیتی سنتی شد و از نظر ساختاری، حضور زنان در قلمروهای عمومی،

1- Ted Robert Gurr

گفتمان حاکم در خصوص مردانگی و زنانگی را زیر سؤال برد (گیدنز، 2002: 106-105).

اولریش بک، بیشتر به مخاطره‌ها و ناامنی‌هایی توجه دارد که جهان مدرن برای انسان به بار آورده است (فرکس،¹ 2004: 2). بک در کتاب «جامعه ریسک؛ به سوی مدرنیته جدید»² معتقد است در جامعه مدرن متأخر با نوعی وفور ریسک مواجه‌ایم. در این جامعه، خطرها و تهدیدها مصنوع دست انسان‌اند. در این جامعه، مسئله، در امان ماندن از آسیب‌ها و ریسک‌های ناشی از مدرنیته است. مشکل، خطرهای عظیم و بلابای و خیمی است که محصول جامعه‌اند (بک،³ 1998: 13). در جامعه جدید، قطعیت‌های جامعه صنعتی به زیر سؤال برده شده است. زنان از تداوم و شدت نابرابری و تبعیض‌ها آگاه‌تر شده‌اند؛ در نتیجه، بیشتر احساس نگرانی و ناامنی می‌کنند.

با در نظر گرفتن مبانی نظری مطرح شده و همچنین پیشینه تحقیق، مدل نظری این تحقیق به صورت زیر تنظیم شده است:



شکل 1: مدل نظری پژوهش

1- Freks

2- Risk Society: Towards a New Modernity

3- Beck



روش‌شناسی

روش به‌کار رفته در این تحقیق، روش توصیفی از نوع پیمایشی مقطعی¹ است. سطح تحلیل تحقیق، سطح خرد و واحد تحلیل،² فرد است. جامعه آماری تحقیق، افراد 18 سال به بالای استان لرستان با جمعیت 1256221 (سالنامه آماری 1395) است که تعداد 384 از آنها به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است. برای تأمین روایی درونی پرسشنامه از روایی محتوایی³ استفاده شد. برای تأمین روایی محتوایی پرسشنامه، گویه‌ها و سؤال‌های پرسشنامه پس از تدوین در اختیار متخصصان سنجش و اندازه‌گیری قرار گرفت و از نظرهای آن‌ها در ساخت پرسشنامه استفاده شد. برای تأمین روایی بیرونی تحقیق نیز سعی شد نسبت حجم نمونه به حجم جامعه متناسب باشد. پایایی (قابلیت اعتماد)⁴ نشان‌دهنده دقت و ثبات وسیله اندازه‌گیری است. برای تأمین پایایی سؤال‌های پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ⁵ استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ برای متغیر احساس نابرابری برابر با 0/877 و برای احساس امنیت 0/974 به‌دست آمد. روش نمونه‌گیری تحقیق نیز، نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای⁶ بوده است.

یافته‌ها

الف) یافته‌های توصیفی

46 درصد پاسخگویان زن و 54 درصد مرد بوده‌اند. همچنین، 44/5 درصد مجرد و 55/5 درصد متأهل بوده‌اند. میانگین سن پاسخگویان نیز 41/5 سال بوده است. بیشترین فراوانی پاسخگویان مربوط به گروه سنی 39-48 سال بوده است. میانگین تحصیلات پاسخگویان 11/40 کلاس بوده است. 0/78 درصد پاسخگویان بی‌سواد بوده‌اند. 11/46 درصد پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی، 10/16 درصد دارای تحصیلات راهنمایی، 54/69 درصد دارای تحصیلات متوسطه و پیش‌دانشگاهی و

1- Cross Sectional Survey

2- Unit of Analysis

3- Content Validity

4- Reliability

5- Cronbachs Coefficient Alpha

6- Multistage Cluster Sampling

22/91 درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. میانگین احساس نابرابری پاسخگویان 2/80 (از دامنه 1 تا 5) بوده است. میانگین احساس امنیت پاسخگویان نیز 2/93 (از دامنه 1 تا 5) بوده است. سایر اطلاعات در جدول زیر ارائه شده است:

جدول 1: درصد توزیع فراوانی متغیرهای نگرش به عملکرد پلیس، سرمایه اجتماعی و میزان دینداری

میانگین	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم	
3/27	8/07	38/54	33/34	13/28	6/77	نگرش به عملکرد پلیس
2/97	3/91	24/48	40/89	26/55	4/17	سرمایه اجتماعی
3/03	10/68	21/35	37/24	22/40	8/33	میزان دینداری

جدول 2: درصد توزیع فراوانی متغیرهای احساس نابرابری، احساس امنیت و ابعاد آن‌ها

میانگین	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم	
2/80	1/30	10/42	57/29	29/17	1/82	احساس نابرابری
2/71	1/04	12/50	46/88	35/68	3/90	اجتماعی
2/81	1/30	15/63	50/25	29/17	3/65	ابعاد فرهنگی
2/84	1/82	20/83	39/84	35/16	2/35	اقتصادی
2/93	2/34	21/35	47/40	24/74	4/17	احساس امنیت
2/81	0/52	14/58	53/13	29/17	2/60	اجتماعی
2/93	4/69	21/09	43/49	23/70	7/03	ابعاد فرهنگی
2/92	6/77	22/66	37/50	22/14	10/94	اقتصادی

(ب) یافته‌های استنباطی

مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای احساس نابرابری و احساس امنیت برابر با $-0/566$ می‌باشد که از نظر آماری معنادار می‌باشد. در بین ابعاد احساس نابرابری به ترتیب، ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بیشترین ارتباط را با احساس امنیت داشته‌اند. مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر احساس نابرابری با احساس امنیت اجتماعی نیز برابر با $-0/421$ می‌باشد که از نظر آماری معنادار می‌باشد. در بین ابعاد احساس نابرابری به ترتیب، ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بیشترین ارتباط را با احساس امنیت اجتماعی داشته‌اند. مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر احساس نابرابری با احساس امنیت فرهنگی برابر با $-0/621$ می‌باشد که از نظر آماری معنادار می‌باشد. در بین ابعاد احساس نابرابری به ترتیب، احساس نابرابری اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بیشترین ارتباط را با احساس



امنیت فرهنگی داشته‌اند. سطح معناداری و ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر احساس نابرابری و احساس امنیت اقتصادی بیانگر تأیید رابطه بین دو متغیر است. در بین ابعاد احساس نابرابری به ترتیب، احساس نابرابری اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بیشترین ارتباط را با احساس امنیت اقتصادی داشته‌اند. سایر اطلاعات در جدول زیر ارائه شده است:

جدول 3: ضرایب رگرسیون بین متغیرهای احساس نابرابری با احساس امنیت و ابعاد آن

احساس نابرابری	ضریب بتا		ضریب پیرسون		ضریب تعیین تعدیل شده		آماره F
	سطح	مقدار	سطح	مقدار	سطح	مقدار	
احساس امنیت	0/566	-0/566	0/000	0/319	سطح معناداری	180/479	0/000
احساس امنیت اجتماعی	0/421	-0/421	0/000	0/175	سطح معناداری	82/076	0/000
احساس امنیت فرهنگی	0/621	-0/621	0/000	0/383	سطح معناداری	239/225	0/000
احساس امنیت اقتصادی	0/483	-0/483	0/000	0/231	سطح معناداری	116/351	0/000

نتایج نشان می‌دهند که بین متغیرهای سرمایه اجتماعی، میزان دینداری و نگرش به عملکرد پلیس با احساس امنیت رابطه مثبت معنادار و بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با احساس امنیت رابطه منفی و معنادار وجود دارد. سایر نتایج در جدول زیر ارائه شده است:

جدول 4: ضرایب رگرسیون بین متغیرهای سرمایه اجتماعی، میزان دینداری، نگرش به عملکرد پلیس و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با احساس امنیت

احساس امنیت	ضریب بتا	ضریب پیرسون		ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	
		سطح	مقدار		سطح	مقدار
سرمایه اجتماعی	0/335	0/335	0/000	0/110	سطح معناداری	48/333
میزان دینداری	0/190	0/190	0/000	0/034	سطح معناداری	14/33
نگرش به عملکرد پلیس	0/323	0/323	0/000	0/102	سطح معناداری	44/398
وسایل ارتباط جمعی	-0/273	-0/273	0/000	0/072	سطح معناداری	30/714

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند میانگین احساس امنیت زن‌ها 2/68 و میانگین احساس امنیت مردها 3/12 بوده است. سطح معناداری و مقادیر t، بیانگر آن است که

تفاوت احساس امنیت ($t = -5/23; Sig = 0/000$) و ابعاد اجتماعی ($t = -3/83; Sig = 0/000$)، فرهنگی ($t = -5/73; Sig = 0/000$) و اقتصادی آن ($t = -4/14; Sig = 0/000$)، بر حسب جنس پاسخگویان از لحاظ آماری معنادار بوده است. میانگین احساس امنیت مجردها 2/51 و میانگین متأهلها 3/26 بوده است. با توجه به سطح معناداری و مقادیر t می‌توان گفت که تفاوت احساس امنیت ($t = -9/57; Sig = 0/000$) و ابعاد اجتماعی ($t = -7/93; Sig = 0/000$)، فرهنگی ($t = -10/25; Sig = 0/000$) و اقتصادی ($t = -9/27; Sig = 0/000$) آن بر حسب وضعیت تأهل پاسخگویان از لحاظ آماری معنادار بوده است.

مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر سن با احساس امنیت برابر با 0/16 می‌باشد که از نظر آماری معنادار می‌باشد ($Sig = 0/001$). همچنین، بین متغیر سن با ابعاد اجتماعی ($r = 0/130; Sig = 0/011$)، فرهنگی ($r = 0/204; Sig = 0/000$) و اقتصادی ($r = 0/119; Sig = 0/020$) احساس امنیت رابطه مستقیم معنادار وجود داشته است. سطح معناداری ضریب همبستگی پیرسون ($r = -0/30; Sig = 0/000$) بین دو متغیر تحصیلات با احساس امنیت از نظر آماری معنادار می‌باشد. همچنین، بین متغیر تحصیلات با ابعاد اجتماعی ($r = -0/224; Sig = 0/000$)، فرهنگی ($r = -0/303; Sig = 0/000$) و اقتصادی ($r = -0/266; Sig = 0/000$) احساس امنیت رابطه معکوس معنادار وجود داشته است.

یافته‌های رگرسیون خطی چندگانه نشان می‌دهند که کلیه متغیرهای مستقل به جز شش متغیر مستقل ذیل به دلیل داشتن واریانس مشترک از معادله رگرسیون خارج شده اند و فقط این شش متغیر مستقل در معادله رگرسیون چندگانه باقی مانده‌اند.



جدول 5: ضرایب استاندارد و غیراستاندارد اجرای رگرسیون به روش گام به گام متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته احساس امنیت

سطح معناداری	t	بتا	ضرایب غیر استاندارد		عرض از مبدأ
			B	خطای استاندارد	
0/000	12/841		11/185	143/629	احساس نابرابری (x_1)
0/000	-9/564	-0/361	0/074	-0/706	وضعیت تأهل (x_2)
0/000	8/950	0/329	2/144	19/188	نگرش به عملکرد پلیس (x_3)
0/000	5/466	0/192	0/047	0/255	سرمایه اجتماعی (x_4)
0/000	4/644	0/168	0/026	0/120	میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی (x_5)
0/002	-3/175	-0/114	0/067	-0/213	تحصیلات (x_6)
0/002	-3/141	-0/114	0/290	-0/911	

معادله رگرسیون چندگانه با ضرایب غیراستاندارد برای شش متغیر عبارت است از:

$$y' = a + b_1x_1 + b_2x_2 + b_3x_3 + b_4x_4 + b_5x_5 + b_6x_6$$

$$y' = -143/629 - 0/706 x_1 + 19/188 x_2 + 0/255 x_3 + 0/120 x_4 - 0/213 x_5 - 0/911 x_6$$

(احساس امنیت)

یافته‌ها نشان می‌دهند که مهم‌ترین متغیر مستقل در تبیین متغیر وابسته، احساس نابرابری ($\beta = -0/361$) است. متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون چندگانه مجموعاً 0/544 از واریانس احساس امنیت را تبیین کرده‌اند و 0/456 باقیمانده واریانس متغیر احساس امنیت به وسیله عواملی غیر از آنچه در این تحقیق بررسی شده‌اند، تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری

میانگین احساس نابرابری پاسخگویان 2/80 و میانگین احساس امنیت پاسخگویان 2/93 (از دامنه طیف 1 تا 5) بوده است. این توزیع، زنگ خطری برای جامعه محسوب می‌شود. این نتیجه با نتایج تحقیق ضرابی و دیگران (1391)، مختاری و دیگران (1391)، جهانبخش گنجه و دیگران (1395) و حیدرنازاد (1396) همخوانی دارد.

یافته‌های تحقیق نشان داد بین جنس پاسخگویان و احساس امنیت آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته همسو با نظریه‌های نیازهای انسانی، آسیب‌پذیری، فمینیستی، گیدنز، بک و یافته‌های تحقیق‌های ویل و مک‌گراث¹ (1995)، کیلیاس و کلرسی (2000)، ساترفیلد و دیگران (2004)، پانزانیس (2009)، کاراکاس و دیگران (2010)، هاشمیان‌فر و کشاورز (1391)، ضرابی و دیگران (1391)، مختاری و دیگران (1391)، طاهری و ربانی (1391)، حسینی اخگر و دیگران (1395) و حیدرنژاد و دیگران (1396) است. احساس امنیت کلی زنان و همچنین احساس امنیت آن‌ها در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کمتر از مردان بوده است. از دلایل کمتر بودن احساس امنیت زنان نسبت به مردان می‌توان به کمتر بودن توان جسمانی آن‌ها نسبت به مردان، نگرانی از تجاوز و آزار جنسی، آگاهی زنان از تبعیض‌های بین زنان و مردان، تجربه خشونت خانگی، شیوه اجتماعی شدن زن‌ها و جامعه قشربندی شده جنسیتی که فرصت‌ها، محدودیت‌ها و شکل‌های مختلفی از احساس عدم امنیت را شکل می‌دهند، اشاره کرد. تجاوز جنسی جزئی از یک نظام تهدید مردانه است که همه زنان را در ترس و وحشت نگه می‌دارد (براون میلر،² 1975). در ایران، فضاهای اجتماعی بیشتر مردانه هستند؛ این فضاهای اجتماعی صرفاً مردانه، احساس امنیت را از زنان سلب می‌کند. همچنین، همان‌طور که بک (1988) اظهار داشته، در عصر حاضر، آگاهی زنان از تداوم و شدت نابرابری و تبعیض‌های بین دو جنس بیشتر شده است؛ در نتیجه بیشتر احساس ناامنی می‌کنند.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، بین وضعیت تأهل پاسخگویان و احساس امنیت آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه همسو با نظریه آسیب‌پذیری و یافته‌های تحقیق‌های ضرابی و دیگران (1391)، طاهری و ربانی (1391)، حقیقتیان و دیگران (1391)، جهانبخش گنجه و دیگران (1395) و قاسمی و دیگران (1395) است. افراد متأهل از حمایت‌های خانوادگی بیشتری برخوردارند و این حمایت‌های خانوادگی باعث می‌شود احساس آسیب‌پذیری کمتر و احساس امنیت بیشتری نسبت به مجردها داشته باشند. زن و شوهر می‌توانند منبع بزرگ حمایتی برای یکدیگر باشند و در حل مشکل‌ها به هم کمک کنند و حتی اگر قادر نباشند که مشکل یکدیگر را حل کنند، می‌توانند یک

1- Will & McGrath
2- Brownmiller



منبع آرامش برای یکدیگر باشند.

یافته‌ها نشان داد بین سن و احساس امنیت رابطه مستقیم وجود است. این یافته همسو با نظریه‌های نیازهای انسانی و تجربه قربانی‌شدن و تحقیق‌های ویل و مک گراد (1995)، کیلیاس و کلرسی (2000)، کاراکاس و دیگران (2010)، هاشمیان فر و کشاورز (1391)، طاهری و ربانی (1391)، حقیقتیان و دیگران (1391) و قاسمی و دیگران (1395) است. مسن‌ترها در مقایسه با دیگر گروه‌های سنی، به خاطر حضور کمتر در اجتماع، کمتر در معرض بزه‌دیدگی قرار دارند؛ همچنین، احتیاط‌های لازم و بیشتری در مقایسه با سایر سنین انجام می‌دهند؛ بنابراین آسیب‌پذیری آن‌ها نیز کمتر می‌شود. با کاهش آسیب‌پذیری، احساس امنیت افزایش می‌یابد. درضمن، خطر تجاوز به زنان با بالاتر رفتن سن آن‌ها کمتر می‌شود.

یافته‌ها همسو با نظریه‌های تجربه قربانی‌شدن، آسیب‌پذیری و یافته‌های کاراکاس و دیگران (2010)، هاشمیان فر و کشاورز (1391)، ضرابی و دیگران (1391)، طاهری و ربانی (1391) و پیلتن و برومند (1393) نشان داد با بالاتر رفتن تحصیلات افراد، احساس امنیت آن‌ها کمتر شده است. کمتر بودن احساس امنیت افراد تحصیل کرده را می‌توان به سطح آگاهی و اطلاعات نسبت داد. افرادی که تحصیلات بالاتری دارند آگاهی و اطلاعات بالاتری از ماهیت جامعه دارند، در نتیجه احساس امنیت کمتری پیدا می‌کنند. افراد تحصیل کرده به دلیل بیکاری بالا و محرومیت از اشتغال مناسب، تبعیض و نبود شایسته‌سالاری برای دسترسی به شغل و درآمد مناسب، اشتغال غیر مرتبط (بیکاری پنهان)، احساس امنیت کمتری دارند.

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که ه چه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بیشتر شود، میزان احساس امنیت افراد کاهش می‌یابد. این یافته همسو با نتایج مطالعه حسینی اخگر و دیگران (1395) و مقانی و دیگران (1396) است. در تبیین نقش کاهنده میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی می‌توان گفت که هیچ موضوع یا حادثه مهمی از دست رسانه پنهان نمی‌ماند و با توجه به انعکاس اخبار و رویدادها توسط رسانه‌ها، لذا افرادی که از رسانه‌های ارتباط جمعی بیشتر استفاده می‌کنند، از حوادث و رویدادهای جامعه بیشتر اطلاع پیدا می‌کنند؛ لذا جامعه را ناامن‌تر می‌بینند و احساس امنیت آنها کاهش می‌یابد.

در این تحقیق رابطه میزان دینداری و میزان احساس امنیت نیز مورد تأیید قرار گرفت. این یافته همسو با نتایج تحقیقات افشانی و دیگران (1394)، جهانبخش گنجه و دیگران (1395) و حسینی اخگر و دیگران (1395) است. دین با دادن پاسخ‌هایی به تجارب ناخوشایند انسان و با قابل تحمل کردن رنج‌ها، اضطراب و استرس را از انسان دور می‌کند و باعث ایجاد احساس آرامش در افراد می‌شود. دین می‌تواند به افراد با القاء آموزه‌هایی مانند توکل به خدا، زود گذر بودن دنیا، عدم اتفاق حوادث بدون اذن خدا، پاداش صبر در راه خدا و... اعتماد، آرامش و اطمینان درونی دهد و سبب افزایش احساس امنیت در افراد دیندار شود.

همچنین نتایج تحقیق نشان‌دهنده رابطه سرمایه اجتماعی با احساس امنیت است. این یافته با نتایج مطالعات ذاکری همامانه و دیگران (1391)، حسینی اخگر و دیگران (1395)، انتظاری و دیگران (1394)، میر و دیگران (1394)، حسینی اخگر و دیگران (1395)، قاسمی و دیگران (1395) و سهراب زاده و دیگران (1396) همسو است. جرم، سرمایه اجتماعی (با دو مؤلفه مشارکت و اعتماد اجتماعی) را نابود می‌کند. جرم عامل نابودی روابط اعتماد، چه در سطح افقی (متقابل میان شهروندان نسبت به هم) و چه در سطح عمودی (نسبت به دولت) است که جامعه بر آنها استوار است.

نتایج تحقیق همسو با نتایج تحقیق انتظاری و دیگران (1394)، اسدزاده و دیگران (1395) و حسینی اخگر و دیگران (1395) نشان داد بین نگرش به عملکرد پلیس و احساس امنیت رابطه وجود دارد. همان‌طور که توماس هابز¹ گفته «انسان گرگ انسان» است؛ یعنی منافع خود را در اولویت قرار می‌دهد؛ لیکن توجه به نظرات و ارزیابی‌های مردم از عملکرد پلیس، باید همواره سرلوحه مأموران قرار گیرد؛ زیرا مشروعیت رفتار قانونمند با ارزیابی مردم رابطه مستقیم دارد؛ بنابراین باید پلیس به‌عنوان یکی از نمایندگان دولت در کنترل اجتماعی عملکرد مناسبی از نظر مردم داشته باشد تا افراد جامعه احساس امنیت و آرامش ذهنی داشته باشند.

یافته‌ها همسو با نظریه‌های برساخت‌گرایی، مکتب کپنهاگ، آسیب‌پذیری، رابرت گر و یافته‌های ساترفیلد و دیگران (2004)، نشان داد بین احساس نابرابری و احساس

1- Hobbes



امنیت رابطه وجود دارد. توسعه جریانی است چند بعدی که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (خداپرست مشهدی و غفوری ساداتیه، 1393: 29). استان لرستان با وجود ظرفیت‌های بالقوه و بالا در بخش‌های معدنی، صنعتی، کشاورزی و گردشگری، از لحاظ توسعه، وضعیت مناسبی در بین استان‌های کشور ندارد. این استان بر اساس تحقیق‌های پوراصغر سنگاچین و دیگران (1391) رتبه 18، نظم‌فر و دیگران (1397) رتبه 18، ضرابی و ایزدی (1392) رتبه 19 را از لحاظ توسعه در بین استان‌های کشور دارا است. همین امر در بعد عینی بر روی کیفیت زندگی، رفاه و امنیت مردم این استان و در بعد ذهنی بر روی احساس نابرابری و احساس امنیت آنها تأثیرگذار بوده است. نابرابری باعث می‌شود عده‌ای از افراد جامعه از ثروت، موقعیت، امکانات و... جامعه محروم بمانند و این امر از یک سو باعث افزایش فقر و جرایم و آسیب‌های اجتماعی و از سوی دیگر، باعث شکل‌گیری احساس نابرابری می‌شود. احساس نابرابری پیامدهای عدیده‌ای چون افزایش اضطراب اجتماعی، کاهش کرامت انسانی و حساسیت به حقوق اکثریت، کاهش اعتماد اجتماعی و کاهش تمایل به اخلاق مسئولیت و نظایر آن دارد (چلبی، 1382: 214-205)؛ بنابراین کسانی که احساس نابرابری بیشتری دارند، احساس امنیت آن‌ها پایین می‌آید.

پیشنهادها

با عنایت به یافته‌ها و نتایج به دست آمده، پیشنهادهای این پژوهش به شرح زیر ارائه می‌شود:

1) یکی از نتایج تحقیق، ارتباط میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و احساس امنیت است؛ بنابراین رسانه ملی باید با نگاه آموزشی در راستای اطلاع‌رسانی به شهروندان و پیشگیری از جرائم قدم بردارد. پلیس شاید بتواند به‌تنهایی در حوزه امنیت ورود پیدا کند، ولی این رسانه‌ها هستند که باید با گرفتن التهابات کاذب جامعه به افزایش احساس امنیت مردم کمک کنند و با انتشار اخبار، فعالیت‌ها و موفقیت‌های پلیس در عرصه‌های مختلف، احساس امنیت را در شریان جامعه تزریق کنند.

(2) از نتایج تحقیق، ارتباط بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت است؛ لذا به مدیران و برنامه‌ریزان پیشنهاد می‌شود با استفاده از پتانسیل و سازوکارهای مربوطه، زمینه و بستر لازم برای افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه را فراهم کنند. رویکرد سنتی پلیس جوابگوی بسیاری از مشکل‌ها و معضله‌های امنیتی امروز جامعه نیست؛ بنابراین پلیس برای تأمین امنیت و افزایش احساس امنیت، باید رویکرد جامعه‌محور را در پیش بگیرد و از ظرفیت موجود در محله‌ها برای ارتقاء سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت) و در نتیجه، افزایش احساس امنیت استفاده کند. مسئولین باید با شفافیت، با پاسخگویی به مطالبات مردمی و مبارزه با فساد اقتصادی و اعلام به موقع آن، این اطمینان را در مردم ایجاد کنند که دولت پیگیر منافع آنها است و برای آنها تلاش می‌کند.

(3) از نتایج دیگر تحقیق، ارتباط بین نوع نگرش به عملکرد پلیس و احساس امنیت است. به مسئولین پلیس پیشنهاد می‌شود به منظور مثبت کردن نگرش مردم به پلیس، به ارائه گزارش عملکرد واقعی خود به مردم از طرق مختلف مانند شبکه تلویزیونی استانی، نصب بنر و آگهی نما (بیلبرد) و... بپردازند. همچنین با عملکرد خود از جمله کمک به مردم و پاسخگویی به مطالبات آنها، رفتار منصفانه با شهروندان، تعامل همراه با احترام با شهروندان، اعتمادسازی، حفظ حقوق مردم از طریق اعتماد متقابل، جمع‌آوری اراذل و اوباش، معتادان و تحت‌نظارت درآوردن آنها و به‌طور کلی، افزایش فعالیت‌های خدماتی خود، هم باعث مثبت شدن نگرش مردم به پلیس شوند و هم احساس امنیت را در بین مردم ارتقاء دهند. پلیس باید با استقرار پاسگاه‌های موقت و دائم، به‌ویژه در مناطق جرم‌خیز و حضور پررنگ در سطح شهر، هم فرصت ارتکاب جرم را برای مجرمین کم کند و هم برای شهروندان احساس آرامش و امنیت ایجاد کند.

(4) طبق نتایج تحقیق، مهم‌ترین عامل مرتبط با احساس امنیت شهروندان لرستان، احساس نابرابری است؛ بنابراین به مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان شهری پیشنهاد می‌شود بستری برای عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت را در جامعه فراهم کنند؛ چرا که دستیابی به امنیت بدون برابری غیرممکن است.



منابع

- احمدی‌مقدم، اسماعیل (1389). «امنیت اجتماعی و هویت». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، شماره بیست و سوم، صص 163-133.
- اسدزاده، فرشته؛ تقی‌زاده، ابراهیم؛ محمدی، یحیی (1395). «تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت عمومی از دیدگاه شهروندان در استان خراسان جنوبی». پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال نهم، شماره دوم (پیاپی سی و چهارم)، صص 44-23.
- افشانی، سید علیرضا؛ ذاکری هامانه، راضیه؛ عسکری ندوشن، عباس (1394). «نقش دینداری در تبیین میزان احساس امنیت اجتماعی (مطالعه‌ای در شهر یزد)»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره اول، صص 49-25.
- انتظاری، علی؛ اسدپور، عهدیه؛ احمدی‌آهنگ، کاظم (1394). «احساس امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر نقش پلیس (مورد مطالعه: شهر نور)»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال هفتم، شماره چهارم، صص 34-7.
- بوزان، باری (1378). «مردم، دولت‌ها و هراس». (ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی)، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوراصغر سنگاچین، فرزاد؛ صالحی، اسماعیل؛ دیناروندی، مرتضی (1391). «سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با رویکرد تحلیل عاملی». آمایش سرزمین، دوره چهارم، شماره دوم، صص 26-5.
- پیلتن، فخرالسادات؛ برومند، مختار (1393). «بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: کلیه زنان و مردان واقع در گروه سنی 54-81 سال شهر جهرم)». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره دوم، صص 129-119.
- توکلی، مرتضی؛ فاضل‌نیا، غریب؛ زارعی، یعقوب؛ نیک‌آریا، مهران (1390). «ارزیابی برخی شاخص‌های ابعاد نابرابری منطقه‌ای در ایران». فصلنامه روستا و توسعه، سال چهاردهم، شماره اول، صص 117-101.
- تولایی، نوین؛ فلاح‌پیشه، اکرم (1390). «مطالعه اثر احساس نابرابری بر همکاری». فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره دوم، صص 61-33.
- جهانبخش گنجه، صادق؛ باقری‌نیا، محسن؛ جعفری، نیما (1395). «بررسی نقش اعتماد اجتماعی و دینداری در پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه خوارزمی». پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال نهم، شماره چهارم (پیاپی سی و ششم)، صص 96-73.

- حسینی اخگر، سیده معصومه؛ بلالی، اسماعیل؛ مختاری، مریم (1395). «احساس امنیت اجتماعی در شهر همدان و عوامل مؤثر بر آن (با تکیه بر نگرش به عملکرد پلیس)». فصلنامه تخصصی دانش انتظامی همدان، دوره هشتم، شماره سوم، صص 81-112.
- حقیقتیان، منصور؛ صنعت‌خواه، علیرضا؛ معین‌الدینی، جواد؛ شیری امین‌لو، شیرین (1391). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی (بر اساس تفکیک سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، برون‌گروهی و ارتباطی) و احساس امنیت در شهر تهران». فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال سوم، شماره ششم، صص 37-56.
- حیدرنژاد، علیرضا؛ نوری، ابراهیم؛ امینی‌فر، مجید (1396). «رابطه احساس امنیت شهروندان با عملکرد پلیس (مورد مطالعه: محدوده کلانتری شهرک شهید رجایی شهر مشهد)». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره پنجاه و یک، صص 63-82.
- خداپرست مشهدی، مهدی؛ غفوری ساداتیه، ماندانا (1393). «بررسی ارتباط توسعه‌یافتگی و ارتکاب جرم در اقتصاد ایران». دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، دوره جدید، سال بیستم و یکم، شماره پنجم، صص 28-44.
- ذاکری هامانه، راضیه؛ افشانی سید علیرضا؛ عسکری ندوشن، عباس (1391). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره سوم، صص 83-110.
- راغفر، حسین (1390). «گزارش وضعیت اجتماعی ایران (1380-1388)».
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان (1396). «سالنامه آماری استان لرستان در سال 1395»، معاونت آمار و اطلاعات.
- سهراب‌زاده، مهران؛ عباسی، الهام؛ سعادت‌تی، موسی؛ صمدزاده، حسن (1396). «تبیین جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تبریز». پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، سال دهم، شماره دوم (پیاپی سی و هشتم)، صص 1-26.
- شیخ‌بیگلر، رعنا؛ تقوایی، مسعود؛ وارثی، حمیدرضا (1391). «تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران». فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره چهل و شش، صص 189-214.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله، نیمروزی، نوروز (1389). «بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد». فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم، صص 185-220.



- ضرابی، اصغر؛ ایزدی، ملیحه (1392). «تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای استان‌های کشور»، برنامه‌ریزی فضایی، سال سوم، شماره اول (پیاپی 8)، صص 101-116.
- ضرابی، اصغر؛ شرفی، زکیه؛ زنگنه، مهدی (1391). «سنجش عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان شهر مشهد با تأکید بر عملکرد پلیس و رسانه‌های جمعی». پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره دوم، صص 103-121.
- طاهری، زهرا؛ ربانی، رسول (1391). «بررسی احساس امنیت در بین اقشار آسیب‌پذیر جامعه (مورد مطالعه: شهروندان اصفهان)». دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دوره اول، شماره اول، صص 91-122.
- عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید؛ حیدری، اله‌رحم (1391). «امنیت و جنسیت: تفاوت‌های بین جنسی در مقابل نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای». فصلنامه مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان، سال دهم، شماره دوم، صص 7-32.
- غفاری، غلامرضا (1390). «سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی». تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- قاسمی، ابراهیم؛ مهدوی، محمد صادق؛ کلدی، علیرضا (1395). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های شهر زنجان)». فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره پنجم، شماره اول، صص 205-232.
- گودرزی، سعید؛ زاهدی، محمدجواد؛ ربیعی، علی؛ نقدی، اسداله (1394). «تبیین برهم کنش سطوح خرد و کلان امنیت در ایران». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره چهارم، شماره دوم، صص 219-247.
- گر، تد رابرت (1388). «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند». (ترجمه علی مرشدی‌زاد)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آنتونی (1377). «پیامدهای مدرنیته». (ترجمه محسن ثلاثی)، تهران: نشر مرکز.
- لیوتار، ژان فرانسوا (1384). «وضعیت پست مدرن: گزارشی درباره دانش». (ترجمه حسینعلی نوذری)، تهران: نشر گام نو.
- متأنی، مهرداد؛ قلیزاده، نقی؛ فلاح، علی؛ رشیدی، احتشام (1396). «بررسی نقش انواع رسانه‌های جمعی در احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهر تهران». فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال یازدهم، شماره سوم، پیاپی (39)، صص 37-54.
- مختاری، مریم؛ بلالی، اسماعیل؛ میرفردی، اصغر؛ حسینی اخگر، معصومه (1391). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره دوم، صص 21-40.

- مهرگان، نادر؛ گرشاسبی فخر، سعید (1390). «نابرابری درآمد و جرم در ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، شماره چهارم، صص 109-125.
- میر، علی؛ میر، سعید؛ خلیل‌زاده، معصومه (1394). «سرمایه اجتماعی و نقش آن در احساس امنیت (مورد مطالعه: استان لرستان)». مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره دوم، شماره چهارم، صص 585-603.
- نظم‌فر، حسین؛ محمدی حمیدی، سمیه؛ اکبری، مجید (1397). «بررسی نابرابری‌های توسعه در استان‌های کشور در راستای تحقق توسعه پایدار». مجلس و راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره نود و چهارم، صص 298-339.
- هاشمیان‌فر، علی؛ کشاورز، زهرا (1391). «بررسی جامعه‌شناختی گستره احساس امنیت اجتماعی در شهر اصفهان». پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال اول، شماره سوم، صص 62-39.
- Beck, U., (1998). *Risk Society: Towards a new modernity*, Trans. By: Mark Ritter, London: Sage Publications.
- Boers, K., (2003). *Crime, fear of crime and the operation of crime control in the light of victim surveys and other empirical studies*, Paper presented at 22nd criminological research conference. Stasbourg.
- Cheeseman, G. & Kattle, J., (1990). *the new Australian militarism: undermining our future security*, Pluto press.
- Farrall, S., Gray, E. & Jackson, J. (2007). *Theorizing the Fear of Crime: The Cultural and Social Significance of Insecurities about Crime, Experience and expression in the fear of crime*, Working Paper, No. 5.
- Ferguson, K. M. & Mindel, Ch. H. (2007). *Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods: A Test of Social Capital Theory*, *Crime & Delinquency*, Vol. 53, No. 2, Pp. 322-349.
- Freks, G., (2004). *Risk and globalization: the globalization of risk, society for international development*.
- Giddens, A., (2002). *Living in a post-traditional society*, *Reflexive modernization*, Ulrich Beck, Anthony Giddens & Scott Lash, fifth print.
- Karakus, O., Edmund, F., McGarrell, & Basibuyuk, O., (2010). «Fear of crime among citizens of Turkey», *Journal of Criminal Justice*, Vol. 38, No. 2, Pp.174-184.
- Killias, M. & Clerici, Ch., (2000). «Different measures of vulnerability in their relation to different dimensions of fear of crime», *The British journal of criminology*, Vol. 40, No. 3, Pp. 437-450.



- McCrea, R; Shyy, T.; Western, J. & Stimson, R. J. (2005). «Fear of crime in Brisbane: Social and neighbourhood factors in perspective», Journal of sociology, 2005 The Australian sociology association, Vol. 41, No. 1, Pp.7-27.
- Satterfield, T. A, Mertz, C. K. & Slovic, P. (2004). «Discrimination, vulnerability, and justice in the face of risk», Risk analysis, Vol. 24, No. 1, Pp. 115- 129.
- Scott H., (2003). Stranger danger: explaining fear of crime. wcr. sonoma. edu/v4n3/ Manuscripts /scott.pdf (accessed 24 January 2010).
- Skogan W. G. & Maxfield, M., (1980). Coping with crime: Victimization, fear and reactions to crime in three American cities, Northwestern University, Centre for urban affairs.
- Stanko, E. A., (1993). «The case of fearful woman: Gender, personal safety and fear of crime», woman and criminal Justice, Vol. 4, No. 1, Pp.117-135.
- Vornanen, R., Törrönen, M. & Niemelä, P., (2009). «Insecurity of young people: The meaning of insecurity as defined by 13- 17 years old finns», Young, Vol. 17, No. 4, Pp. 399- 419.
- Will, J. A. & McGrath J. H., (1995). «Crime, neighborhood Perceptions, and the underclass: The relationship between fear of crime and class position», Journal of Criminal Justice, Vol. 23, No. 2, Pp. 163-179.